

به نام خدا

نگاهی به تاثیر معلمان آگاه بر رفع اختلالات یادگیری

مولفان :

فهمیه سادات احمدی

معصومه تیموری ثانی نوروزی

آلاله کریمی زهان

فائزه محمودی

مینا دوستی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: احمدی، فهیمه سادات، ۱۳۷۳
عنوان و نام پدیدآور: نگاهی به تاثیر معلمان آگاه بر رفع اختلالات یادگیری / مولفان فهیمه سادات احمدی، معصومه تیموری ثانی نوروزی، آلاله کریمی زهان، فائزه محمودی، مینا دوستی.
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۵۶ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۰۲۷-۱
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: معلمان آگاه - رفع اختلالات یادگیری
شناسه افزوده: تیموری ثانی نوروزی، معصومه، ۱۳۵۶
شناسه افزوده: کریمی زهان، آلاله، ۱۳۶۴
شناسه افزوده: محمودی، فائزه، ۱۳۶۸
شناسه افزوده: دوستی، مینا، ۱۳۷۳
رده بندی کنگره: PN۲۱۸۰
رده بندی دیویی: ۸۰۹/۲۲۳
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۹۳۸۲۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

نام کتاب: نگاهی به تاثیر معلمان آگاه بر رفع اختلالات یادگیری
مولفان: فهیمه سادات احمدی - معصومه تیموری ثانی نوروزی
آلاله کریمی زهان - فائزه محمودی - مینا دوستی
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳
چاپ: زبرجد
قیمت: ۵۶۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۰۲۷-۱
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران
Chaponashr.ir

فهرست مطالب

مقدمه	۵
تاریخچه	۱۰
شیوع اختلالات یادگیری	۱۸
رشد در شناسایی دانش آموزان با ناتوانی های یادگیری	۲۱
استراتژی های آموزشی ویژه در مدیریت	۳۰
چه چیزی باعث اختلالات یادگیری می شود؟	۳۲
خواندن داده های ارزیابی در میان دانش آموزان با ناتوانی های یادگیری خاص	۳۳
داشتن ناتوانی یادگیری چه معنایی می تواند داشته باشد	۳۳
چه چیزی باعث ناتوانی یادگیری می شود؟	۳۴
اختلالات یادگیری: علائم را بشناسید، چگونه کمک کنید	۳۶
اختلال یادگیری چیست؟	۳۶
چه چیزی باعث اختلالات یادگیری می شود؟	۴۰
علائم اختلالات یادگیری چیست؟	۴۰
آموزش به کودکان دارای مشکلات یادگیری	۴۵
کار ایمن	۴۷
کار فراگیر	۴۸
بررسی تجارب زیسته معلمان کودکان با ناتوانی های ویژه یادگیری: رویکرد کیفی پدیدارشناختی	۴۹
نقش معلم در آموزش به کودکان کم توان یادگیری چیست؟	۵۰
استراتژی های آموزشی مناسب	۵۱

ارزیابی تأثیر آموزش معلمان برای شناسایی ناتوانی های یادگیری ۵۲

مقدمه

ناتوانی یادگیری (LD) یک اصطلاح کلی است که انواع خاصی از مشکلات یادگیری را توصیف می‌کند. اختلال یادگیری می‌تواند باعث شود که فرد در یادگیری و استفاده از برخی مهارت‌ها دچار مشکل شود. مهارت‌هایی که اغلب تحت تاثیر قرار می‌گیرند عبارتند از: خواندن، نوشتن، گوش دادن، صحبت کردن، استدلال و انجام ریاضی. اختلالات یادگیری از فردی به فرد دیگر متفاوت است. یک فرد مبتلا به LD ممکن است مشکلات یادگیری مشابهی با فرد دیگر مبتلا به LD نداشته باشد. به گفته مرکز انتشار ملی برای کودکان و جوانان دارای معلولیت (NICHCY، 2004). ممکن است یک نفر در خواندن و نوشتن مشکل داشته باشد. فرد دیگری که مبتلا به LD است ممکن است در درک ریاضی مشکل داشته باشد. شخص دیگری ممکن است در هر یک از این زمینه‌ها و همچنین در درک آنچه مردم می‌گویند مشکل داشته باشد.

LD گروهی از اختلالات است که بر توانایی افراد در تفسیر آنچه می‌بینند و می‌شنوند یا پیوند دادن اطلاعات از قسمت‌های مختلف مغز تأثیر می‌گذارد. این محدودیت‌ها می‌توانند به طرق مختلف ظاهر شوند: به عنوان مشکلات خاص در زبان گفتاری و نوشتاری، هماهنگی، خودکنترلی یا توجه. چنین مشکلاتی به تکالیف مدرسه نیز کشیده می‌شود و می‌تواند مانع یادگیری خواندن، نوشتن یا ریاضی شود.

ناتوانی یادگیری یک اختلال عصبی است که بر توانایی مغز برای دریافت، پردازش، ذخیره و پاسخ به اطلاعات تأثیر می‌گذارد. اصطلاح ناتوانی یادگیری برای توصیف دشواری ظاهراً غیرقابل توضیحی استفاده می‌شود که یک فرد حداقل هوش متوسط در کسب مهارت‌های اولیه تحصیلی دارد. این مهارت‌ها برای موفقیت در مدرسه و کار و به طور کلی برای کنار آمدن با زندگی ضروری هستند. "LD" به معنای یک اختلال نیست. اصطلاحی است که به گروهی از اختلالات اطلاق می‌شود.

جالب اینجاست که هیچ تعریف واضح و قابل قبولی از ناتوانی های یادگیری وجود ندارد. به دلیل ماهیت چند رشته ای این رشته، بحث های مداوم در مورد موضوع تعریف وجود دارد و چندین تعریف فنی توسط منابع مختلف بهداشتی و آموزشی ارائه شده است. به طور کلی، اکثر کارشناسان در مورد توضیحات زیر توافق دارند:

افراد مبتلا به LD با پیشرفت تحصیلی و پیشرفت مشکل دارند.

بین پتانسیل یک فرد برای یادگیری و آنچه که آن شخص واقعاً می آموزد، اختلاف نظر وجود دارد.

افراد مبتلا به LD یک الگوی رشد نابرابر (رشد زبان، رشد فیزیکی، رشد تحصیلی و/یا رشد ادراکی) را نشان می دهند.

مشکلات یادگیری به دلیل آسیب های محیطی نیست.

مشکلات یادگیری به دلیل عقب ماندگی ذهنی یا اختلال عاطفی نیست.

اختلالات یادگیری می تواند بر توانایی فرد در خواندن، نوشتن، صحبت کردن، املا، محاسبه ریاضی و استدلال تأثیر بگذارد. آنها همچنین می توانند بر توجه، حافظه، هماهنگی، مهارت های اجتماعی و بلوغ عاطفی فرد تأثیر بگذارند.

افراد مبتلا به LD دارای هوش طبیعی هستند یا حتی گاهی اوقات از استعداد های فکری برخوردار هستند.

افراد مبتلا به LD توانایی های متفاوتی دارند، با مشکلاتی در زمینه های تحصیلی خاص اما در برخی دیگر نه.

ناتوانی های یادگیری بر ورودی (توانایی مغز برای پردازش اطلاعات دریافتی) یا برون داد (توانایی فرد در استفاده از اطلاعات در مهارت های عملی مانند خواندن، ریاضی، املا و غیره) تأثیر می گذارد.

تحقیقات نشان می‌دهد که ناتوانی‌های یادگیری ناشی از تفاوت‌هایی در نحوه عملکرد مغز افراد و نحوه پردازش اطلاعات است. کودکان مبتلا به LD احمق یا تنبل نیستند. در واقع، آنها معمولاً هوش متوسط یا بالاتر از حد متوسط دارند، اما مغز آنها اطلاعات را متفاوت پردازش می‌کند. ناتوانی یادگیری بر نحوه دریافت، پردازش یا بیان اطلاعات کودکان با هوش متوسط تا بالاتر تأثیر می‌گذارد. حتی اگر فرد یاد بگیرد که جبران کند و در واقع بر این اختلال غلبه کند، تفاوت در پردازش مغز در طول زندگی ادامه دارد. دانستن اینکه کودکی دارای ناتوانی یادگیری است فقط به شما می‌گوید که کودک در پردازش اطلاعات با مشکل مواجه است. قبل از اینکه بتوانید میزان دشواری، نوع مشکلات و/یا تأثیری که ناتوانی بر موضوعات یا وظایف تحصیلی خاص دارد، تعیین کنید، باید اطلاعات بیشتری درباره کودک بیاموزید.

فرضیه های اشتباه در مقابل واقعیت در مورد ناتوانی های یادگیری:

۱. افراد مبتلا به LD خیلی باهوش نیستند. واقعیت. کودکانی که ناتوانی های یادگیری دارند به اندازه سایر کودکان باهوش هستند. هوش هیچ ربطی به LD ندارد. در واقع، افراد مبتلا به LD هوش متوسط تا بالاتر از حد متوسط دارند. بسیاری از آنها توانایی های فکری، هنری یا توانایی های دیگری دارند که به آنها اجازه می‌دهد به عنوان با استعداد تعریف شوند. مطالعات نشان می‌دهد که ۳۳ درصد از دانش آموزان مبتلا به LD تیزهوش هستند.

۲. LD فقط بهانه ای برای افراد بی مسئولیت، بی انگیزه یا تنبل است. واقعیت. LD ناشی از اختلالات عصبی است، نه نقص شخصیت. برای برخی از افراد مبتلا به LD، تلاش لازم برای گذراندن یک روز می‌تواند به خودی خود طاقت فرسا

باشد. انگیزه لازم برای انجام کاری که دیگران بدیهی می‌دانند بسیار زیاد است. ناتوانی های یادگیری مشکلاتی در پردازش کلمات یا اطلاعات است که باعث می‌شود کودکان باهوش و توانا در یادگیری مشکل داشته باشند. این ناتوانی ها شامل زبان - خواندن، نوشتن، صحبت کردن و/یا گوش دادن است.

۳. LD فقط کودکان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بزرگسالان از این اختلالات رشد می‌کنند.

واقعیت. اکنون مشخص شده است که اثرات LD در طول عمر فرد ادامه می‌یابد و "حتی ممکن است در بزرگسالی با تغییر وظایف و خواسته های محیطی تشدید شود" (مایکلز، ۱۹۹۴). متأسفانه، بسیاری از بزرگسالان، به ویژه افراد مسن، هرگز به طور رسمی مبتلا به LD تشخیص داده نشده اند. ناتوانی های یادگیری را نمی‌توان بیش از حد رشد کرد، اما می‌توان آنها را به طور قابل اعتماد در کودکان مهدکودک یا کلاس اول یا حتی زودتر شناسایی کرد. تحقیقات به وضوح نشان می‌دهد که هر چه زودتر به کودک کمک مناسب برای ناتوانی یادگیری داده شود، نتیجه موفقیت آمیزتر خواهد بود.

۴. اصطلاحات نارساخوانی و ناتوانی یادگیری یکسان هستند.

واقعیت. نارساخوانی نوعی اختلال یادگیری است. این اصطلاح دیگری برای ناتوانی یادگیری نیست. این یک اختلال خاص مبتنی بر زبان است که بر توانایی فرد در خواندن، نوشتن و بیان کلامی تأثیر می‌گذارد. متأسفانه، استفاده بی دقت از واژه نارساخوانی گسترش یافته است به طوری که برای برخی افراد معادل LD شده است. از هر پنج کودکی که با ناتوانی یادگیری شناسایی می‌شوند، چهار کودک دچار ناتوانی خواندن (یا نارساخوانی) تشخیص داده می‌شوند. آنها در یادگیری نحوه ترجمه زبان گفتاری به متن نوشتاری مشکل دارند. از آنجایی که هر درسی - از جمله ریاضی - به

خواندن و نوشتن نیاز دارد، ناتوانی در خواندن بر تمام یادگیری افراد در مدرسه تأثیر می‌گذارد.

۵. ناتوانی‌های یادگیری فقط ماهیت آکادمیک دارند. آنها بر سایر بخش‌های زندگی فرد تأثیر نمی‌گذارند.

واقعیت. برخی از افراد مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری در خواندن، نوشتن یا ریاضیات دارای مشکلات مجزا هستند. با این حال، اکثر افراد مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری بیش از یک حوزه مشکل دارند. دکتر لری سیلور اظهار می‌دارد که "ناتوانی‌های یادگیری، ناتوانی‌های زندگی هستند." او می‌نویسد: «همان ناتوانی‌هایی که در خواندن، نوشتن و حساب کردن اختلال ایجاد می‌کند، در ورزش و سایر فعالیت‌ها، زندگی خانوادگی و کنار آمدن با دوستان نیز اختلال ایجاد می‌کند». (سیلور، ۱۹۹۸)

برخی از کودکان مهارت‌های کلامی (زبانی) خوبی دارند، اما در درک بصری و فضایی، مهارت‌های حرکتی و مهم‌تر از همه، مهارت‌های اجتماعی ضعف دارند - که بر توانایی آنها برای درک ایده اصلی، «دیدن کل تصویر» یا درک تأثیر می‌گذارد. روابط علت و معلولی بسیاری از کودکان مبتلا به LD با سازماندهی، توجه و حافظه دست و پنجه نرم می‌کنند. یک سوم از آنها همچنین ممکن است اختلال کمبود توجه داشته باشند - مشکل در تنظیم موثر توجه، توجه در صورت لزوم و تغییر توجه به کار دیگری در صورت لزوم. کودکان مبتلا به LD خلاق و مدبر هستند و اغلب می‌توان آنها را به عنوان متفکران با استعداد و جایگزین توصیف کرد. آنها اغلب بسیار باهوش هستند و معمولاً دارای نقاط قوت و استعدادهایی هستند که با مهارت‌های مورد تأکید در مدرسه متفاوت است. کودکان مبتلا به LD با شناخت مشکلات، کمک مناسب و رشد علایق و استعدادهایشان، می‌توانند موفقیت در مدرسه و فراتر از آن را یاد بگیرند.

۶. بزرگسالان مبتلا به LD نمی‌توانند در آموزش عالی موفق شوند. واقعیت. بیشتر و بیشتر بزرگسالان مبتلا به LD به کالج یا دانشگاه می‌روند و موفق می‌شوند. با تسهیلات و پشتیبانی مناسب، بزرگسالان دارای ناتوانی های یادگیری می‌توانند در آموزش عالی موفق باشند.

۷. کودکان مبتلا به LD در مهدکودک و کلاس اول شناسایی می‌شوند. واقعیت. ناتوانی های یادگیری اغلب برای سال ها ناشناخته می‌مانند. اکثر آنها تا کلاس سوم شناسایی نمی‌شوند. بچه‌های باهوش می‌توانند مشکلات خود را «نقاب» بپوشانند، و برخی از انواع مشکلات یادگیری ممکن است تا دوران راهنمایی، دبیرستان یا حتی کالج ظاهر نشوند.

۸. پسران بیشتر از دختران دارای اختلالات یادگیری هستند. واقعیت. اگرچه مدارس پسران سه برابر بیشتر از دختران دارای ناتوانی های یادگیری هستند، مطالعات تحقیقاتی نشان می‌دهد که در واقع، تعداد مساوی از پسران و دختران رایج ترین شکل مشکل یادگیری را دارند - مشکل در خواندن. بسیاری از مشکلات یادگیری دختران نه شناسایی می‌شوند و نه درمان می‌شوند.

تاریخچه

تعاریف ناتوانی های یادگیری در طول زمان تکامل یافته است. این تعاریف تلاش هایی برای توصیف وضعیتی بوده است که در میان سایر اصطلاحات، آفازی، اختلال عصبی، سندرم استراوس و حداقل اختلال عملکرد مغز نامگذاری شده است.

تاریخ نشان می‌دهد که واژه ناتوانی‌های یادگیری توسط دکتر ساموئل کرک بر اساس نوشته‌های او در اوایل دهه ۱۹۶۰ و نظراتی که در کنفرانس ۶ آوریل ۱۹۶۳ در مورد کاوش در مشکلات کودکان دارای معلولیت ادراکی ارائه شد، سرچشمه گرفت و رایج شد. برچسب پیشنهادی او "با اشتیاق مورد استقبال قرار گرفت و کمک کرد تا شرکت کنندگان در سازمانی به نام انجمن کودکان با ناتوانی‌های یادگیری، پیشرو انجمن ناتوانی‌های یادگیری امروزی متحد شوند".

مولف از اصطلاح «ناتوانی‌های یادگیری» برای توصیف «گروهی از کودکانی که اختلالاتی در رشد در زبان، گفتار، خواندن و مهارت‌های ارتباطی مرتبط مورد نیاز برای تعامل اجتماعی دارند، استفاده کرده است. در این گروه کودکانی را که دارای نقص حسی مانند نابینایی یا ناشنوایی هستند شامل نمی‌شود، زیرا روش‌هایی برای مدیریت و آموزش ناشنوایان و نابینایان داریم. همچنین کودکانی را که عقب ماندگی ذهنی عمومی دارند از این گروه حذف می‌کنم.

در اواخر دهه ۱۹۶۰، آگاهی بیشتر در مورد ناتوانی‌های یادگیری، هم از سوی عموم مردم و هم در کنگره افزایش یافت. در پاسخ، اداره آموزش و پرورش ایالات متحده مسئول ایجاد یک تعریف فدرال برای ناتوانی یادگیری شد. ساموئل کرک ریاست این کمیته را بر عهده داشت. در سال ۱۹۶۸، اولین گزارش سالانه کمیته ملی مشاوره در مورد کودکان معلول، به ریاست دکتر کرک، نوشت:

کودکان دارای ناتوانی‌های یادگیری خاص در یک یا چند فرآیند روانی اساسی که در درک یا استفاده از زبان گفتاری یا نوشتاری دخیل است، دچار اختلال می‌شوند. اینها ممکن است در اختلالات گوش دادن، تفکر، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، املا یا حساب ظاهر شوند. آنها شامل شرایطی هستند که به عنوان ناتوانی‌های ادراکی، آسیب

مغزی، حداقل اختلال عملکرد مغز، نارساخوانی، افزایش رشدی و غیره شناخته می‌شوند. آنها شامل مشکلات یادگیری که عمدتاً به دلیل ناتوانی‌های بینایی، شنوایی یا حرکتی، عقب ماندگی ذهنی، عاطفی است، نمی‌شوند. اغتشاش یا به ضرر زیست محیطی. (آموزش ویژه برای کودکان معلول، ۱۹۶۸)

در پایان سال ۱۹۶۸، "ناتوانی یادگیری خاص" (به اختصار SLD یا LD) به یک دسته از آموزش‌های ویژه تعیین شده توسط فدرال تبدیل شد (دفتر آموزش ایالات متحده، ۱۹۶۸)، و در سال ۱۹۶۹، قانون اختلالات یادگیری خاص، قانون عمومی ۹۱-۹۱-تصویب شد. ۲۳۰. در سال ۱۹۷۵، کنگره P.L. 94-142، قانون آموزش برای همه کودکان معلول. در اینجا، تعریف ناتوانی یادگیری برای کودکان در آموزش ویژه رسمیت یافت. تحت P.L. 94-142، ناتوانی یادگیری خاص به شرح زیر تعریف شد.

اختلال در یک یا چند فرآیند روانشناختی اساسی درگیر در درک یا استفاده از زبان، گفتاری یا نوشتاری، که ممکن است خود را به صورت توانایی ناقص در گوش دادن، فکر کردن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، املا یا انجام محاسبات ریاضی نشان دهد. شرایطی مانند ناتوانی‌های ادراکی، آسیب مغزی، حداقل اختلال عملکرد مغز، نارساخوانی و افزایش رشدی. با این حال، ناتوانی‌های یادگیری شامل «... مشکلات یادگیری که عمدتاً نتیجه ناتوانی‌های بینایی، شنوایی یا حرکتی، عقب ماندگی ذهنی، اختلال عاطفی، یا آسیب‌های محیطی، فرهنگی یا اقتصادی است.

تداوم P.L. تعریف ۹۴-۱۴۲ در قانون فدرال باعث تحلیل بیشتر شد. در دهه ۱۹۸۰، ائتلافی از سازمان‌های والدین و حرفه‌ای که به عنوان کمیته مشترک ملی ناتوانی‌های یادگیری (NJCLD) توصیف می‌شود، از تعریف تحت P.L. 94-142 برای گنجانیدن مفاهیمی که برای شناسایی کودکان دارای ناتوانی یادگیری نامشخص یا دشوار بود. در پاسخ به انتقادات، NJCLD یک تعریف جایگزین پیشنهاد کرد.

ناتوانی های یادگیری یک اصطلاح کلی است که به گروه ناهمگونی از اختلالات اشاره دارد که با مشکلات قابل توجهی در کسب و استفاده از توانایی های گوش دادن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، استدلال، یا ریاضی بروز می کند. این اختلالات برای فرد ذاتی هستند و به نظر می رسد به دلیل اختلال در عملکرد سیستم عصبی مرکزی باشند و ممکن است در طول عمر رخ دهند. مشکلات در رفتارهای خودتنظیمی، ادراک اجتماعی و تعامل اجتماعی ممکن است با ناتوانی های یادگیری وجود داشته باشد اما به خودی خود یک ناتوانی یادگیری را تشکیل نمی دهد. اگرچه ناتوانی های یادگیری ممکن است همزمان با سایر شرایط ناتوان کننده یا با تأثیرات بیرونی رخ دهد، اما آنها نتیجه مستقیم آن شرایط یا تأثیرات نیستند.

امروزه، کودکان در آموزش ویژه تحت قانون عمومی ۱۰۸-۴۴۶، قانون بهبود آموزش افراد دارای معلولیت (IDEA 2004) حمایت می شوند. تعریف تحت IDEA در معیارها و دستورالعمل های آن برای آنچه که ناتوانی یادگیری است تغییر نکرده است. بر اساس قانون فعلی فدرال، زبان زیر ایجاد شد.

به طور کلی: اصطلاح "ناتوانی یادگیری خاص" به معنای اختلال در ۱ یا بیشتر از فرآیندهای روانشناختی اساسی درگیر در درک یا استفاده از زبان، گفتاری یا نوشتاری است، که این اختلال ممکن است خود را در توانایی ناقص گوش دادن، فکر کردن، صحبت کردن نشان دهد. خواندن، نوشتن، املا یا انجام محاسبات ریاضی. اختلالات شامل. این اصطلاح شامل شرایطی مانند ناتوانی های ادراکی، آسیب مغزی، حداقل اختلال عملکرد مغز، نارساخوانی و آفازی رشدی است.

اختلالات شامل نمی‌شود. چنین اصطلاحی شامل یک مشکل یادگیری نمی‌شود که اساساً نتیجه ناتوانی‌های بینایی، شنوایی یا حرکتی، عقب ماندگی ذهنی، اختلال عاطفی، یا آسیب‌های محیطی، فرهنگی یا اقتصادی باشد.

همانطور که هنگام مقایسه تعاریف ارائه شده توسط P.L. 94-142 (در حال حاضر IDEA) و NJCLD، هر دو اختلال عملکرد سیستم عصبی مرکزی را یک علت بالقوه می‌دانند. هر دو مشخص می‌کنند که صحبت کردن، گوش دادن، خواندن، نوشتن و ریاضی می‌توانند تحت تأثیر قرار گیرند. و هر دو مشکلات یادگیری را عمدتاً به دلیل سایر شرایط، مانند عقب ماندگی ذهنی، اختلال عاطفی، و تفاوت‌های فرهنگی حذف می‌کنند (هالاها و کافمن، ۲۰۰۳).

تفاوت‌های کلیدی بین تعاریف ارائه شده توسط IDEA و تعریف ایجاد شده توسط NJCLD در زیر ذکر شده است:

تعریف فدرال قدیمی‌تر است و جهت‌گیری پزشکی دارد.

تعریف NJCLD به ناتوانی‌های همزیستی اجازه می‌دهد (به عنوان مثال، ناتوانی‌های یادگیری و ناتوانی‌های بینایی).

تعریف NJCLD مشکلات بسیاری از این افراد را با مهارت‌های اجتماعی تصدیق می‌کند.

NJCLD از عبارت «فرایندهای روانشناختی اساسی» که بسیار بحث برانگیز بوده است استفاده نمی‌کند و به ناتوانی‌های ادراکی، نارساختی یا حداقل اختلال عملکرد مغز اشاره نمی‌کند که تعریف آن‌ها بسیار دشوار بوده است.

تعریف NJCLD به وضوح بیان می‌کند که ناتوانی یادگیری ممکن است یک وضعیت مادام‌العمر باشد.

همانطور که در بالا ذکر شد، تعریف فعلی IDEA از LD همان چیزی است که در P.L گنجانده شده است. ۹۴-۱۴۲. تمرکز IDEA بر دریافت کنندگان آموزش عمومی در سنین دانش آموز است. با این حال، خدمات غیر آکادمیک به افراد دارای ناتوانی های رشدی توسط دپارتمان ناتوانی های رشدی (DDD) پس از دبیرستان ارائه می شود. به دلیل الزام DDD مبنی بر اینکه یک فرد برای واجد شرایط بودن برای خدمات "ناتوانی قابل توجه" را نشان دهد، کارکنان پرونده باید سطح قابل توجهی از شدت را تعیین کنند که بر زندگی روزمره تأثیر می گذارد. بدون تعریف جداگانه ای از ناتوانی های یادگیری، کارکنان موردی باید بزرگسالان را برای خدمات DDD بر اساس برخی معیارها واجد شرایط کنند. بندر (۱۹۹۲) توصیه می کند: «به یک متخصص ناتوانی های رشدی توصیه می شود که از تعریف ارائه شده توسط دولتی که در آن تمرین می کند استفاده کند. به طور کلی، وزارت آموزش و پرورش ایالت می تواند مجموعه ای از قوانین و مقررات را برای خدمات آموزشی ویژه ارائه کند که شامل تعریف ایالتی از ناتوانی یادگیری است.»

سرانجام، IDEA در سال ۲۰۰۴ مجدداً مجاز شد (IDEA 2004)، و نام رسمی آن قانون بهبود آموزش افراد دارای معلولیت است. همانطور که بوو (۲۰۰۴) بیان کرد، IDEA دیگر سازمان های آموزشی محلی (مناطق مدرسه) را ملزم نخواهد کرد که در تعیین اینکه آیا یک کودک معین دارای ناتوانی یادگیری است یا خیر، از اختلاف استفاده کنند. شما باید با اداره آموزش ایالت خود بررسی کنید تا ببینید آیا یک شرط مغایرت همچنان وجود دارد یا خیر. اصلاحات جدید IDEA همچنین خواستار فرآیندی است که تعیین می کند آیا کودک به "مداخله علمی و پژوهشی" پاسخ می دهد یا خیر. اگر دانش آموزی این کار را انجام دهد، منطقه مدرسه ممکن است حکم کند